

## نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دهم، شماره هجدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷

### بررسی اشعار رضوی محمدتقی بهار با تکیه بر نقد درون متنی

فرحناز حیدری نسب<sup>۱</sup>

#### چکیده

اشعار آیینی و رضوی شاعران متعهد و دوستدار اهل بیت ایرانی، جلوه‌گاه نمود نور روزافزون مشعل عشق به اهل بیت پیامبر(ص) است. شعر محمدتقی بهار، شاعر بنام مشروطه، سرشار از حس عاطفه و آیینۀ درد مردمان به‌ستوه آمده از ظلم حکوت استبداد است. اشعاری از دیوان شعر این شاعر اختصاص به مدح و منقبت امام رضا (ع) دارد. این جستار بر آن است که اشعار رضوی بهار را از منظر نقد درون‌متنی (زبان؛ اندیشه؛ صورخیال و عاطفه) به روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار دهد، زیرا با بررسی این عناصر، بهتر می‌توان به نوع نگرش و اندیشه پایداری شاعر در این نوع شعر (شعر رضوی) پی برد.

بنا بر نتیجه پژوهش، حرکت و جنبش تصاویر، عدم گسستگی بین صورخیال و اندیشه به تناسب دوره‌های شعری وی، کاملاً عینی و مشهود است. از تمام ظرفیت‌های زبان مجازی چون: تشبیه، استعاره، کنایه، اغراق و مجاز بهره‌می‌گیرد. عاطفه شعر به اقتضای زمان شاعر تغییر می‌یابد. درون‌مایه نگرش‌های احساسی و عاطفی اشعار رضوی وی نیز به تناسب دوره‌های شعرش: مدح؛ امامت‌مداری، انتقاد از وضع موجود و دشمن‌ستیزی، تشویق روحیه وطن‌خواهی و دفاع از سرزمین در مقابل بیگانگان، ترساندن عوامل ظلم، ریشخند نسبت به حاکمان و اعمال آنها و تأسف و اندوه از ستم حاکم است.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی کرمانشاه fhaidarinasab@gmail.com

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶-۰۸-۰۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵-۰۶-۲۷

## واژه‌های کلیدی: بهار، شعر رضوی، ادب پایداری، تصاویر شعری.

### ۱- مقدمه

دستاورد فرهنگی انقلاب مشروطیت ایران به عنوان رویدادی نو در جامعه ایران موجب آگاهی بخشی عمومی، دگرگونی زبانی و عاطفی اهل اندیشه و قلم به صورت نظم و نثر بود. در بحبوحه این فضای روشنفکری شاعران بزرگی بالیدند و متناسب با جریانات اجتماعی، با سلاح کارآمد شعر به مبارزه و پایداری برای احقاق حق گام برداشتند. محمدتقی بهار از گروه این شاعران است که به عنوان شاعر وارث آزادی، در فضای این جریانات در جست‌وجوی آرمان بزرگ سیاسی- اجتماعی آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی است و متناسب با تحوّل مشروطیت به تحوّل فکری و عاطفی انواع شعر خود می‌اندیشد و اندیشه آزادی و میهن‌پرستی، وی را به درک درست از ابزار شعر متناسب با زمان رهنمون می‌سازد. شعر رضوی بهار، آئینه رسالت شاعری این شاعر آرمان‌گراست که بررسی عناصر درون‌متنی شعر وی به خوبی تحوّل و سیر صعودی ذهن، زبان و احساس شاعر را در این نوع شعر نشان می‌دهد.

### ۱-۱- بیان مسئله

محمدتقی بهار یکی از شاعران شاخص ادب پایداری است که خصیصه بارز شعر وی، علاوه بر لفظ و خیال‌پردازی توجّه به مضمون و محتواست. بررسی لایه‌های شعر وی حکایت از پویندگی ذهن وی دارد و غنی‌بودن عناصر درون‌متنی اشعارش این ادعا را اثبات می‌کند. او شاعری آزادی‌طلب است که به خوبی می‌داند که شعر حاصل برخورد اندیشه و احساس است که به کمک واژگان مناسب جان می‌گیرد. در دیوان اشعارش، جلوه‌های مذهبی الخصوص شعر رضوی، یاری‌رسان اندیشه و حتی لفظ‌پردازی شاعر در قلمرو ادب پایداری است. او در قسمتی از این اشعار به نقش عظیم کارایی قلم به جای سلاح در بیدار کردن و هوشیار ساختن مردم پی‌برده‌است. با توجّه به این سخنان، این مقاله در پی آن است که به میزان تنوع کمی و

کیفی عناصر درون متنی (زبان، عاطفه، تخیل و اندیشه شعری) گونه اشعار رضوی وی پاسخ دهد و چگونگی اثرپذیری اندیشه و عاطفه شاعر پایداری را از مقتضیات زمانی حتی در اشعار مذهبی تبیین نماید.

## ۱-۲- پیشینه تحقیق

در کتاب «چشم انداز شعر فارسی معاصر» و «ادوار شعر فارسی» به زمینه‌های نقد و بررسی درون‌متنی شعر اشاره شده و از وجوه و نوع هر یک از این زمینه‌ها سخن به میان آمده‌است. زرقانی در کتاب «چشم‌انداز شعر فارسی معاصر» علاوه بر اینکه به صورت کلی از این معیارهای درون‌متنی سخن گفته در مبحث جریان‌های شعری از مشروطه تا معاصر، نگاهی گذرا و کلی به عوامل درون‌متنی و برون‌متنی اثرگذار شعری شاعران از جمله محمدتقی بهار داشته‌است که این نگاه با توجه به حجم کلی این جریان‌ها، کلی و گذرا است. مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی (۱۳۹۲) در مقاله «زبان و شیوه بیان در اشعار ناسیونالیستی بهار و عشقی» اشعار ناسیونالیستی دو شاعر را از حیث زبان و شیوه بیان به صورت تطبیقی بررسی کرده و به ذکر شواهد شعر پرداخته‌است. جلیل تجلیل و محمدتقی بیگلر (۱۳۸۹) در مقاله «بلاغت تصویر در دیوان اشعار محمدتقی بهار» به بررسی بلاغت شعر در دیوان شعرش پرداخته و به دلیل این که هنرنمایی‌های کلامی بهار عمدتاً در قالب عناصر تصویرساز تشبیه و استعاره بوده، تنها به سرچشمه‌های بلاغت این دو تصویر در شعر با ذکر مصادیق شعری پرداخته‌است. گردآفرین محمدی و سعید حسامپور (۱۳۹۳) در مقاله «تجلی بن‌مایه‌های منقبت رضوی در شعر ملک‌الشعرا بهار» به واکاوی بن‌مایه‌های منقبت رضوی در دیوان وی پرداخته و نشان داده‌اند که شاعر بیش‌تر به موضوعاتی مانند اسامی و القاب امام رضا (ع) و برخی از کرامت‌های حضرت و برخی از فضیلت‌های امام (ع) توجه داشته‌است. بنا بر جست‌وجویی که در این حوزه انجام گرفته، پژوهش مستقل و کاملی در موضوع نقد درون‌متنی شعر رضوی بهار یافت نشد.

### ۱-۳- ضرورت و اهداف تحقیق

هدف مقاله حاضر، تعیین مشخصه سبک زبانی بهار در اشعار رضوی، سطح و عمق اندیشه در برخورد عاطفه و احساس شاعر با شعر مدح و منقبت و بسامد عوامل و ابزار تصویرسازی در شعر رضوی است؛ همچنین در پی اثبات این نظریه است که تحولات اجتماعی-سیاسی عصر مشروطه نیز باعث تغییر نگرش زبان و نوع عاطفه شعری این شاعر متعهد در اشعار رضوی شده است. این جستار، می‌تواند مقدمه‌ای برای بررسی شعر رضوی شاعران ادب‌پایداری و مقاومت دیگر اعصار از منظر نقد درون‌متنی باشد.

### ۱-۴- روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. در سطح زبان به دلیل بافت سالم زبان بهار و همچنین دلبستگی شاعر به واژگان و قالب کهن نحوه استفاده شاعر از واژگان کهن و خلق ترکیبات جدید در راستای اهداف نوگرایی مشروطه، ملاک بررسی قرار گرفت. بسامد صورخیال اشعار رضوی وی با استفاده از روش آماری بررسی شد و جدول فراوانی صورخیال برای ملموس نشان دادن داده‌ها در بین متن آورده شد و میزان تناسب زبان مجازی، متناسب با شعر ادب‌پایداری مشروطه مورد توجه قرار گرفت. در مبحث بررسی عنصر عاطفه، نحوه انتقال تغییر نگرش و برخورد احساسی شاعر متناسب با دوره‌های شعرش با مصادیق شعری نشان داده شد.

### ۲- بحث

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد در تاریخ معاصر ایران، شعر انقلاب مشروطه از نظر ظاهر و محتوا متناسب با فکر آزادی‌خواهی و اصلاح‌طلبی است. بهار نیز یکی از شاعران بنام این انقلاب، سیر فکر و اندیشه وی متناسب با رخدادهای سیاسی-اجتماعی است که حتی این

خصیصه، اشعار رضوی وی را نیز تحت تأثیر قرار داده و این تغییر در زمینه‌های فکری شاعر، دگرگونی‌های زبانی و تصویری را به دنبال داشته‌است.

برای شناسایی نگرش شاعر و شناخت عناصر شعری لازم است که شخصیت ادبی شاعر مورد توجه قرار گیرد؛ از این رو، ابتدا نگاهی گذرا به شخصیت ادبی بهار شده؛ سپس در مورد عناصر درون‌متنی شعر شاعر، سخن به میان آمده‌است.

### ۱-۲- شخصیت ادبی - فرهنگی بهار در یک نگاه

شخصیت ادبی بهار را باید در چند سطح تحلیل کرد: ۱- شاعری کاملاً سنت‌گراست؛ به تقلید از شعرهای سنتی و کلاسیک می‌پردازد. ۲- مبارزی اجتماعی از نظر محتواست؛ سرآغاز شکوفایی این لایه از شخصیتش در اوان جوانی وی بود که در وادی مبارزات اجتماعی گام نهاد و دنباله آن تا پس از انقلاب مشروطه و روی کارآمدن رضاخان و حتی مدتی پس از آن ادامه داشت. ۳- محقق و منتقد ادب و فرهنگ کلاسیک است. ۴- شاعری که قصد داشت آرام و محتاط، مبانی زیبایی‌شناسی شعر کلاسیک را تغییر داده، شعر را برای طرح مضامین نو آماده-سازد.<sup>۱</sup> اشعاری رضوی بهار شامل سطح اول و دوم شخصیت ادبی وی است.

### ۲-۲- زبان شعری بهار

تنها روش مخاطب برای دستیابی به آمال و احساسات شاعر، تأمل بر زبان و گفتار وی است و تلاش شاعران موفق برای تأثیر سخن، تسلط بر اسلوب زبان و شیوه بیان است. اولین مشخصه شعر بهار به عنوان پدر شعر دانشگاهی، احترام به پیشینیان و رعایت سلامت زبان است و خلق واژگان جدید متناسب با تجارب تازه از اوضاع اجتماعی او را شاعری پویا در حوزه ادب پایداری معرفی می‌کند؛ زیرا «واژه‌ها در پرده‌های پنهان خویش انرژی شگرفی را فرو فشرده‌اند و شاعر توانا کسی است که بتواند با ترفندی شایسته، هرچه بیشتر این انرژی را آزاد و کلام خود را رستاخیزی کند.» (حسن‌لی، ۱۳۸۶: ۱۰۳)

## ۲-۲-۱- شاخصه‌های زبان شعر رضوی بهار

### ۲-۲-۱-۱- شکل و قالب

دیوان بهار حاوی اشعار گوناگون در قالب‌های شعر سنتی چون: قصیده، مثنوی، قطعه، غزل، مسمط، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، دوبیتی و رباعی است؛ اما تمام قالب‌های مختص شعر رضوی وی، قصیده و یک ترکیب‌بند در سوگواری حرم امام رضا(ع) است.

### ۲-۲-۱-۲- واژگان

منبع اصلی مفردات شعر مدح و منقبت بهار در سطح اول شاعریش، واژگان کلاسیک است. این واژگان بیشتر شامل اسم، فعل و صفت است. وی بدین واسطه، شور و هیجان درونی خود را نسبت به این امام راستین بیان می‌کند. واژگان کهن: «دژ آهنگ، وظیفه‌خوار، دریوزه، رغیفه و غمام» در ابیات زیر، نمونه‌ای از کهن‌گرایی زبان شعر شاعر است؛ البته این کهن‌گرایی منحصر به سطح اول شاعری نمی‌شود و شعر دوره دوم هم از این قاعده مستثنا نیست. در ابیات زیر، واژگان: «استمگر، همی‌زنند، می‌نگویم و نستدی»، گواه این مطلب است:

سلالة اسدالله که شیر پرده او      شود چو شیر دژ آهنگ آدمی فرسای  
به بارگاهش دریوزه کرده چرخ بلند      در آستانش درویش گشته قیصر و رای  
وظیفه‌خواه در کاخ او صغیر و کبیر      رغیفه‌خوار سر خوان او غنی و گدای

(بهار، ۱۳۸۰: ۵۵)

مجد با جاهش موافق همچو رفعت با سپهر      جود با دستش ملازم همچو باران در غمام

(همان: ۵۶)

فلک آن مایه ستم کرد که در نیرو داشت      ای دریغ از جفای فلک استمگر

(همان: ۲۴۸)

دزدان شرع لاف دیانت همی‌زنند      ای حجت خدای گه امتحان رسید

(همان: ۲۵۲)

ور جهل جای فلسفه را نستدی به دین در دین به جا نماندی این اشتباه ما  
(همان: ۲۵۴)

پورنامداریان، در مورد نقش عواملی که باعث انتخاب الفاظ خاص و تناسب آن با عاطفه می‌شود، می‌نویسد: «شخصیت فردی شاعر به ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر، سنت و میراث ادبی، گذشته تاریخی، محیط شاعر و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان.» (۱۳۸۰: ۳۲)، در انتخاب واژگان خاص شعری تأثیر دارد. دایره واژگانی شعر شاعران عصر مشروطه به دلیل این- که شعرشان متعلق به مردم است، ساده و پر از عناصر و اصطلاحات عامیانه است. زبان شعر رضوی بهار نیز در سطح دوم شاعری به گونه‌ای بارز عام فهم می‌شود؛ این شاعر همطراز با شاعران طراز اول شعر فارسی، سعی می‌کند متناسب با اوضاع جامعه، زبان شعر خود را با ضرب- المثل‌ها و باورهای عامیانه و... قابل فهم نماید. ترکیبات و ضرب‌المثل‌های عامیانه: «گردِ عزا گرفتن، از پافتادن، دود آه، خاکم به سر، حوالت به پنجه کسی بودن و آوخ» نمونه از تعلق شعر رضوی بهار به عامه است و انتخاب صحیح این واژگان، پرواز خیال شاعر را در گستره کلامش ملموس کرده است:

گرد عزا گرفت سراپای عرش حق      خاک الم نشست به رخسار جبرئیل  
اسلام از تطاول اعدا ز پافتاد      بر ما ز دستبرد اجانب زیان رسید

(همان: ۲۵۲)

بنگر که از زمین خراسان ز توپ روس      بر آسمان زبانه کشد دود آه دین

(همان: ۲۵۳)

آنجا که بوده مسکن کروبیانِ قدس      خاکم به سر چرا شده منزلگه کلاب؟

(همان: ۲۵۳)

مظلوم اگر به پنجه ظالم حوالت است      پس صحبت فلان و فلان از برای چیست

(همان: ۲۵۴)

آوخ که در دیار خراسان به عهد ما تجدید عهد گُرب و بلا کرد توپ روس

(همان: ۲۵۴)

لغات و ترکیبات جدید در اشعار رضوی [سطح دوم شاعری] به تناسب زمان شاعر مشهود است. در ترکیب‌بندی این واژگان، تکیه بر انتخاب واژگان و صفاتی است که بار عاطفی حق‌طلبی و دفاع بیشتری دارند؛ نمونه‌ای از این تناسب واژه با اندیشه اجتماعی - سیاسی شاعر و مردم در دوره مشروطه است:

برق تفنگ بر شده جای چراغ برق نار سَعیر در شده جای زلال ناب

(همان: ۲۵۳)

شد بی حقوق هر که نشان داد راه حق شد بی پناه هر که شد اندر پناه دین

(همان: ۲۵۳)

شعر رضوی بهار، تعبیری دیگر از واقعیت تلخ تاریخ است. در ابیات زیر، شاعر با انتخاب کلمات «خامه، اژدر، بنیوشد و مضطر» نمونه‌ای از وضوح‌سازی ظلم حاکم، حس ملی‌گرایی و دیگر دوستی همراه با اضطراب و درماندگی را نشان می‌دهد:

کام‌ها جمله فرو بسته، زبان‌ها خسته جور بگشوده دهان از همه سو چون اژدر

نه یکی خامه که بنویسد درد درویش نه یکی نامه که بنیوشد حال مضطر

(همان: ۲۵۰)

## ۲-۳- صورخیال در شعر رضوی بهار

تخیل شعری به عنوان یکی از عناصر شعری، همواره مد نظر ناقدان در بررسی نقد درون‌متنی شعر بوده است؛ زیرا قدرت پرواز خیال، سبب تجلی ناگفته‌های ذهنی می‌شود و این خیال است که راه ارتباط افکار شاعر با جهان مادی و حتی ذهن خواننده را هموار می‌کند. برای نقد دستگاه تصویرسازی شاعر اصولی را در نظر گرفته‌اند که تحلیل و نقد تمام موارد در این کلام نمی‌گنجد؛ بنابراین، این سخن، ملاک نقد و ارزیابی تصویرگری اشعار رضوی بهار را تنها



اصول میزان استفاده از تصویر در شعر و حجم تصاویر متناسب با ظرفیت شعری، کیفیت تصویر با مضمون و نگاه تازه به اشیا و امور قراردادده است.

چون بیشترین صورت خیال در حیطه علم بیان قرار می‌گیرد، تحلیل تصاویر شعر رضوی بهار را در حیطه علم بررسی می‌کنیم. چهار بخش علم بیان، عبارتند از: تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز.

۲-۳-۱- تشبیه: این شاعر وارث آزادی و محبّ اهل بیت به خوبی به ارزش تشبیه در مخیّل کردن کلام پی‌برده است؛ زیرا در بررسی اشعار رضوی بهار معلوم شد که جولانگاه این عنصر زبانی به خاطر فراوانی ابیاتی با درون‌مایه مدح و منقبت وسیع است. دومین عنصر تصویرساز در اشعار رضوی بهار است که ۲۵٪ کل تصاویر شعری را تشکیل می‌دهد و به صورت تشبیهات حسی و بلیغ نمود می‌یابد؛ به عنوان نمونه، شاعر در بیت زیر، صحنه تیرباران و به بمب‌بستن جان‌پناهان مسجد گوهرشاد و عمارت آستانه را به وسیله مشبه‌به‌های طبیعی «باران و تندر» کاملاً روشن و دیداری ساخته است:

تیر باریده بر ایشان ز دو سو چون باران توپ‌گریده برایشان ز دو سو چون تندر

(همان: ۲۴۹)

۲-۳-۱-۱- تشبیه بلیغ: مشبه‌به‌های تشبیهات بلیغ شعر رضوی بهار، متنوع و محسوس است و این نشان‌دهنده تخیل قوی و بیان احساسات راستین شاعر در بیان همانندی وقایع به کمک زبان مجازی است. نمونه‌هایی از این نوع تشبیه برای آشنایی با دایره واژگان شعری شاعر ذکر می‌شود: «گرگ حادثه»: ص ۵۱؛ «آب امر»: ص ۵۵؛ «رمح همّت»: ص ۱۶۴؛ «دریای قهر حق»: ص ۲۵۱؛ «سنگ فتنه»: ص ۲۵؛ «زهر جفا و غبار فتنه»: ص ۲۵۳؛ «لشکر هوا»: ص ۲۵۳؛ «داس جفا»: ص ۲۵۴.

۲-۳-۲- استعاره: استعاره، پربسامدترین تصویر در اشعار رضوی با فراوانی ۳۳٪ است. این استعاره‌ها بیشتر از نوع استعاره مکنیه تخیلی و به صورت اضافه استعاری هستند که در

تحلیل فراوانی به علل آن اشاره می‌شود. بهار در کمتر وصفی از استعارات دیریاب استفاده می‌کند. القاب استعاری و نام‌های شاعرانه امام رضا بر پایه تخیل وی آفریده شده‌اند؛ هرچند صورت ظاهر بعضی از این تصاویر چون: «گنج اسرار الهی»: ص ۵۱؛ «هشتم گهر برج امامت»: ص ۵۷؛ «آفتاب دینی و دین»: ص ۲۵۲ و... ممکن است در اشعار شاعران کلاسیک به وفور دیده‌شود، اما وسعت دید شاعر و جاندارپنداری ظریف باعث غیرتکراری به‌نظر رسیدن این تصاویر شده‌است. به هر حال «بافت صورخیال رنگین و منحصر به فرد در کلمه زاییده نمی‌شود، مگر با فکر و هر کس به اندازه فکر خود کلمه دارد.» (علی‌پور، ۱۳۷۸: ۱۹)

هشتم گهر برج امامت که پرورد فرخ گهرش را صدف موسی جعفر  
از هر فلکی خود نه چو تابد کوب وز هر صدفی خود نه چو زاید گوهر

(همان: ۵۷)

۲-۳-۲-۱- استعاره مکنیه تخیلی: بهره‌گیری از عناصر طبیعی و پیوند آن با مدح، نشان از توانمندی بهار در بیان واقعیت‌های روزگار دارد. گره‌خوردگی طبیعت و مصنوعات با خیال شاعر مصداق این سخن است که «صورخیال با آن که ملهم از طبیعت هستند، گاهی از طبیعت، زیباتر و آرمانی‌تر می‌باشند؛ زیرا ذهن پویای صورتگر دخل و تصرف هنرمندانه در آن می‌کند و صورتی برتر و زیباتر ابداع می‌کند.» (شوقی‌نوبر، ۱۳۸۶: ۵۵) پیوند طبیعت و انسان در اکثر ابیات وی سبب شده که تصاویر شعری، پرتحرک و انسان‌مدارانه باشد و ویژگی و حالات مشابه در بیشتر مصادیق شعر مدح و منقبت بر پایه عشق به امام رضا(ع) و در شعر بمباران حرم، مظهر حرکت، جنبش و بیداری هستند. مصداق این سخن، استعاره‌های «دندان گرگ حادثه»: ص ۵۱؛ «کف گردون»: ص ۵۲؛ «اجازه عزم»: ص ۵۵؛ «دست نیکی»: ص ۵۶؛ «چهره انجم»: ص ۸۳؛ «چشم دریا»: ص ۱۶۴؛ «یغمای زمستان»: ص ۱۷۹؛ «کید فلک»: ص ۲۴۹؛ «بارش تیر»: ص ۲۴۹؛ «بیدار گشتن فتنه»: ص ۲۵۲؛ «درو کردن توپ روس»: ص ۲۵۴، است.

۲-۳-۳- کنایه: ۱۶٪ کل تصاویر و بیشتر از نوع ایما و به صورت گروه فعلی است و اغلب چندان تازگی ندارند. این کنایات شفاف، عام‌فهم و متناسب با ویژگی شعر مشروطه هستند و بیش از هر چیز، مأنوس شدن آن با زبان مجازی مردم، حرف اول را می‌زند؛ نمونه این کنایات، ترکیبات «دردل داشتن»: ص ۵۲؛ «دست گشودن»: ص ۵۶؛ «ازسربگرفتن»: ص ۲۴۸؛ «سیلی‌خور»: ص ۲۴۹؛ «دل‌خون کردن»: ص ۲۵۱؛ «جامه‌دریدن»: ص ۲۵۲؛ «ره‌به‌درشدن»: ص ۲۵۴؛ «پهلوی بر چرخ‌زدن»: ص ۲۵۴؛ «دامن‌نگرفتن»: ص ۳۵۱؛ «گام‌برداشتن»: ص ۳۵۱ است.

۲-۳-۴- مجاز: پی‌بردن به معنای مجازی تصاویر شعر رضوی بهار به دلیل انسجام در بافت کلام، ساده است. بیشتر این واژگان، تکراری هستند. درصد مجازهای مورد استفاده، ۱۲٪ است. نمونه واژگان مجازی: «آهنگ»: ص ۵۱؛ «دست و دامن»: ص ۵۳؛ «جنبش»: ص ۱۶۴؛ «خانه و زبان»: ص ۲۵۰؛ «خاک طوس»: ص ۲۵۲؛ «برق تفنگ»: ص ۲۵۳؛ «پنجه»: ص ۲۵۴ و... است.

۲-۳-۵- اغراق: این تصویر شعری از تصاویر خارج از علم بیان است، اما به دلیل این که جولانگاه خیال‌پردازی اغراق، بیشتر در نوع ادبی حماسی و قطعات مدحی است و در اشعار رضوی بهار نمود قابل توجهی دارد؛ به این بحث هم به صورت گذرا پرداخته شده است. درصد کل این تصویر ۱۴٪ است. یکی از ویژگی‌های شعر رضوی، نگاه عارفانه و فرامادی به صحن، بارگاه و گنبد طلای حرم امام‌رضا(ع) است تا جایی که از دیدگاه این شاعر محب، امام رضا کعبه و کبریاء الهی است. به عنوان نمونه در شعر زیر، نور معنوی امام رضا(ع) از ماه و خورشید فراتر است و این دو پدیده طبیعی نور و روشنایی از وجود مبارک امام رضا(ع) کسب می‌کنند و آسمان هفتم با عجز، خواهان نزدیک شدن به درگاه وی است:

شمس الشموس، شاه ولایت که کرده‌اند شمس و قمر ز خاک درش اکتساب‌ها  
هشتم ولی بار خدا آن که بر درش هفتم سپهر راست به عجز اقتراب‌ها

(همان: ۸۴)

جدول فراوانی عناصر تصویرساز در شعر رضوی محمدتقی بهار

تصویر	استعاره	تشبیه	کنایه	مجاز	اغراق
تعداد	۶۱	۴۵	۳۰	۲۱	۲۶

### ۲-۳-۶- ابزارهای تصویرساز در شعر رضوی بهار

تصویرگری، حاصل پیوند خیال و عاطفه شعری است که به کمک لایه‌های زبان شاعر، نمود می‌یابد و هنرمندی خاص شاعر به کمک ابزارهای زبانی شکل می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، قدرت انتخاب شاعر در گزینش ابزار خیال، مخاطب را به درک درست شعر هدایت می‌کند. «انتخاب ابزار آفرینش شاعرانه بر اساس علاقه و شرایط محیطی صورت می‌گیرد و تا حدودی، علت فراوانی یا تنزل برخی از ابزارهای تصویری در شعر شاعران به این عوامل مربوط می‌شود. این ابزارهای تصویرساز دو دسته‌اند: ۱- طبیعت غیرجاندار و بی‌روح که می‌تواند زمینی یا فلکی باشد. ۲- طبیعت زنده که می‌تواند شامل امور متعددی از قبیل: نباتات، حیوانات و انسان گردد.» (زنجان، ۱۳۷۷: ۸۵)

این جستار نیز بر این اساس تقسیم‌بندی، تصاویر شعر رضوی بهار را بررسی نموده و در ضمن علاوه بر این دو ابزار تصویرساز از تصاویر دیگری هم که در این اشعار کاربرد دارد، سخن گفته که تحت عنوان «عناصر دینی و تاریخی» به آن‌ها اشاره شده است.

#### ۲-۳-۶-۱- طبیعت غیرجاندار و بی‌روح: گفتگو با طبیعت اطراف و انس با آن سبب

شده که شاعر، عناصر طبیعی را جاندار بینگارد و آن‌ها را در خدمت اندیشه امامت‌مداری و دعوت هموطنان به درک مسایل اجتماعی و سیاسی روز قرار دهد. این نوع از طبیعت عبارتند از: **الف) ابزارهای زمینی** (مصنوعات و سنگ‌های قیمتی): گهر، دُر، خَزَف، لؤلؤ، لعل، دیبا، حریر، آینه، چنگ، جام، می، برج، صدف، نقاب، حباب، ساغر، رباب، باده، طناب، توپ، تیر، تیر، کاخ، چادر، کسوت، کاخ، حُلی، سنان، قند، سپر، خنجر، فرش، نعل، خوان، سریر، ضریح، ایوان، بارگاه، چراغ و تفنگ.

**ب) ابزارهای فلکی و طبیعی:** اختر، آسمان، چرخ، فلک، کوکب، افلاک، آفاق، مهر، سپهر، باران، مشتری، گردون، باد، خاک، نهم سپهر، دریا، موج، خاک و زلزله.

**۲-۳-۶-۲- طبیعت جاندار:** در شعر رضوی بهار، اسامی طبیعت جاندار اعم از نبات، حیوان و انسان در ملموس نشان دادن رخدادها و شرایط اجتماعی نقش مهمی دارند و از ابزارهای کمک کننده جهت تفهیم شعر هستند. این ابزارها عبارتند از:

**الف) نباتات:** خار مغیلان، سرو و برگ.

**ب) حیوانات:** گرگ، شیر، صعوه، ملخ، باشه، چکاوک، شاهین، کبکان و غزالان.

**ج) انسان‌ها:** (اسامی افراد، اعضای بدن انسان، نفسانیات): دندان، حسان، عنصری، کف، اراده، دست و پای.

### ۲-۳-۶-۳- عناصر دینی و تاریخی

موسی، عمران، قیصر، خاقان، شیطان، حورالعین، حجاز، هشت جنت، هفت دوزخ، قُدسیان، عرش، جبرئیل، عیسی مریم، خُلد، جهنم، مینو، هارون، یوشع، کلیسا، نصارا، مسجد، نبی، علی، حسین، طوس، آب حیات، رضوان، سلسیل، گهواره مسیح، گلخانه خلیل، کلیم، آتش نمرود، مجتبی، شرع، نارسعیر، نار جحیم، باغ جنان، قرآن و کعبه.

با توجه به فراوانی ابزار تصاویر ساز، بسامد ابزار تصویر ساز طبیعت بی روح (ابزارهای زمینی)، زنده (انسانها) و اساطیر دینی و تاریخی بیشتر از بقیه است؛ زیرا طبیعت، بهترین دستمایه زبان هنری و عنصر ملموس برای مردم است و طرح شخصیت‌های دینی و تاریخی راه را برای به تصویر کشیدن اندیشه و عاطفه شاعر عینی تر می‌سازد. در بررسی تصاویر شعری بهار، همگامی اندیشه پویا با زبان فاخر و تصاویر شعریش مشهود است. در به کارگیری تصاویر هنری به سبب تسلط علمی بر شعر کلاسیک مهارت بی نظیری دارد. بهار در پایه تصویرگری (توصیف) دستی توانا دارد و این توانایی در قصیده «بمباران حرم امام رضا» باعث انسجام تصاویر شده، وی صحنه بمباران را به گونه‌ای روایی وصف می‌کند و در این قطعه شعر، تکراری نبودن تصاویر شعر و سادگی بیان، تأثیر القای

عاطفه را دو چندان ساخته است. استفاده شاعر از ظرفیت‌های زبانی چون: تشبیه، استعاره، کنایه و... در هر دو سطح شعریش، در حد اعتدال و مصداق این سخن است که «خیال فتیله چراغ هنر است اگر آن را خیلی پایین بکشیم، خاموش می‌شود و اگر زیاد بالا ببریم دوده می‌زند.» (حسینی، ۱۳۶۵: ۵۶)

## ۲-۴-عاطفه در شعر بهار

ملاک سخن در بررسی عاطفه شعر رضوی این است که شاعر چه اندازه در هم‌رنگ‌سازی روح و روان خواننده با نگرش و تأثیر عاطفی خود در توصیف و منقبت امام رضا(ع) توانا بوده است؟ آیا تناسب عاطفه شاعر متناسب با جریان‌ات اجتماعی و اندیشه وی است؟ آیا سایه پردازش هیجانات بر کل شعر حکمفرماست؟

ابتدا لازم است تعاریفی از مؤلفه‌های ادب پایداری ارائه شود تا توانایی بهار در زمینه اهدافی که از این منظر داشته، معلوم گردد. ادب پایداری «به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی، غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرد.» (سنگری، ۱۳۸۳: ۴۵) و «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند به وجود می‌آید.» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶)

## ۲-۴-۱-درون‌مایه‌های عاطفی شعر رضوی بهار

۲-۴-۱-۱-مدح: بیشترین قسمت اشعار رضوی بهار، مدایح و مناقب با مضمون فضایل امام رضا (ع) است. «مدح تنها اختصاص به پادشاهان، وزرا و امثال آن‌ها ندارد؛ بلکه این امر در مورد پیامبر و ائمه اطهار هم صدق می‌کند که در این صورت از آن تحت عنوان نعت و منقب یاد می‌شود.» (محسنی‌نیا و پوریزدان‌پناه کرمانی، ۱۳۸۸: ۴۲) در این اشعار، شاعر مثل دیگر شاعران به علم، شجاعت و کرامات امام رضا (ع) اشاره کرده است؛ هرچند مضمون این مدایح و مناقب، در شعر شاعران آیینی تقریباً مشابه است؛ اما نباید نوع عاطفه شاعر را کاملاً فردی دانست، چون

محرک حس عاطفی وی، آرمان مردمی دین مدار است که توسل به وجود امام را قوام دین می-  
دانند، گواه این حس، ایات زیر است:

خدای را نتوان جز به روی او دیدن      بلی بود رُخش آینه خدای‌نمای  
پذیره شو ز دل و جان ولای مهرش را      که تا پذیره شوندت به جاودانه سرای

(همان: ۵۵)

گنج اسرار الهی زاده موسی، رضا      آن که ایمان را قوام و شرع را بنیان بود  
بشکند از بیخ و بُن دندان گرگ حادثه      آن که فرمان برده او از بُن دندان بود

(همان: ۵۱)

**۲-۴-۱-۲- امامت‌مداری:** هر شاعر مداح اهل بیت در شعر، خواهان معرفی حضور  
یک انسان برتر به عنوان پیشواست و تا حد امکان می‌کوشد راز این امتیاز و سروری را برای  
مخاطب معلوم کند. بهار در این نوع از اشعار که حجم زیادی از اشعارش را تشکیل می‌دهد، با  
طرح موضوع امامت، آن را لازمه ممکنات هستی می‌داند. برخورد عاطفه شاعر، عمیق و بر پایه  
نگرش جمعی است؛ زیرا موضوع امامت از زیربنایی‌ترین تفکرات شیعه است که محرک حس  
عاطفی است. شعر بهار در برخورد با مسئله امامت و دریافت عاطفه جمعی مصداق سخن  
تولستوی است: «فعالیت هنر، بر بنیاد این استعداد آدمی قرار دارد که انسان با گرفتن شرح  
احساسات انسان دیگر از راه شنیدن و دیدن می‌تواند همان احساسی را که شخص بیان‌کننده  
تجربه کرده بود، وی نیز همان احساس را تجربه نماید.» (۱۳۸۸: ۵۵)

بزرگ حجّت یزدان، علی بن موسی      که سوی یزدان مر خلق راست راهنمای

(همان: ۵۵)

حجّت یزدان سلیل موسی جعفر، رضا      زاده خیرالنساء نوباوه خیرالانام  
پرتو ماه امامت، پیشوای ممکنات      مشعل راه هدایت، رهنمای خاص و عام

(همان: ۵۶)

## ۲-۴-۱-۳- انتقاد از وضع موجود و دشمن ستیزی: عنصری که سبب تجلی ادبیات

پایداری و مولفه‌های آن در شعر شاعران فارسی شده، انزجار از نفوذ استکبار در خاک میهن، جولان منفعت‌طلبان بی‌توجه به حال مستضعفان است. بهار در قصیده «در واقعه بمباران آستانه حضرت رضا (ع)» و ترکیب‌بند «توپ روس» که در سال ۱۲۹۰ سروده شده، با ابراز عواطف وطن‌دوستانه و انتقاد از سهل‌انگاری حاکمان و عالمان نسبت به حکومت و دین، اوج عواطف میهنی و انسانی را به صورت نمایان نشان داده است. شاعر این دو قطعه شعر را دستاویزی برای تثبیت اندیشه آزادی و بیداری اذهان قرار می‌دهد:

پس بیا لختی و بیداد عدو را بشنو      پس بیا باز و زیارتگه ما را بنگر  
بنگر باز که این خیره تمدن خواهان      کرده آن کار که وحشی نماید باور

(همان: ۲۴۸)

چندان غبار فتنه و بدعت پدید گشت      کاینک به راه کفر بدل گشته راه دین  
نی حاکمی که دفع کند اشتغال ملک      نی عالمی که رفع کند اشتباه دین

(همان: ۲۵۳)

## ۲-۴-۱-۴- وطن و دفاع از آن: «عاطفه یا احساس، زمینه درونی و معنوی شعر است

به اعتبار کیفیت برخورد شاعر با جهان خارج و حوادث پیرامونش. «شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۷) بهار در اشعار رضوی به این حقیقت رسیده که در دریافت عاطفه باید همراهی شاعر با جریان‌های سیاسی نمود داشته باشد. وی مثل بقیه آزادی‌خواهان همدوره‌اش نظیر عشقی، فرخی و... برای مبارزه با دخالت بیگانگان در سرنوشت کشور از وطن‌خواهی و حراست از سرزمین سخن می‌گوید و در شرح اوضاع به توپ‌بستن حرم امام رضا(ع) برای تسکین دلتنگی و انزجار از وضعیت موجود به خوداتهامی می‌پردازد و راه بیداری را حفظ مرزها و دفاع از وطن می‌داند. نمونه برخورد این عاطفه در شعر زیر، مشهود است:



ما اگر خانه خرابیم ز کس مان گله نیست کاین خرابی همه از ماست در انجام نظر  
صاحب خانه اگر باز نبندد در خویش گله ای نیست اگر دزد در آید از در  
(همان: ۲۴۹)

**۲-۴-۱-۵- تهگم و ریشخند به ظلم حاکمان:** تجربیات بهار یکسان نیست و از  
چندین تجربه که از نظر زمانی و مکانی به دور از هم هستند، سخن می گوید؛ اما این تجربیات  
دور و نزدیک، در راستای جلوه های عاطفی شاعر است. احساس همدردی با مردم رنج کشیده  
در برخورد با حادثه بمباران حرم رضا (ع) وی را بر آن می دارد که با زبان و بیانی مجازی  
وتهگم آمیز، حاکمان و عاملان بدبختی مردم را (صعوه، باشه، شاهین و شیر) بنامد و آن ها را از  
ادامه ستم منصرف کند. شاعر در این ابیات دریافته که طبع ظالم بشری در هر دوره، پایه گذار  
ظلم و ستم بوده و حتی ظلم شاه همعصر امام رضا (ع) را ملموس ساخته است:  
چه گریز است ز ماهیت طبع بشری که بدو گوئیم از مال کسان بهره مبر

صعوه را گوئیم از صید ملخ دست بدار باشه را گوئیم از خون چکاوک بگذر  
تو هم ای شاهین، کبکان را زین پیش مگیر تو هم ای شیر، غزالان را زین بیش مدر  
(همان: ۲۵۰)

**۲-۴-۱-۶- تأسف از وضع موجود و انداز به بانیان ظلم و امامت:** واقعه بمباران  
حرم، شاعر بیداری را تحت تأثیر قرار می دهد و در برخورد با این حادثه، احساس شاعر به  
کمک دایره واژگان می شتابد و با به کارگیری ترکیب: «دیو نژادان شیر» و «قزاق عدو» نفرت  
و انزجار رنگ عاطفی ماندگاری به خود می گیرد و در نهایت شاعر بانیان ظلم و مخالفان امامت  
را مورد هدف تیر احساس خویش قرار می دهد و در جهت بیداری هموطنان گام برمی دارد:  
ای زنان چادر نیلی به سر اندر بکشید زان که زهرا را نیلی است به سر بر چادر  
از وهابی شد اگر کاخ حسینی ویران شد ز قزاق عدو کاخ رضا ویران تر

(همان: ۲۴۹)

چه رسیده است از این دیونژادانِ شیرین      بر حریم حرم پادشاه جنّ و بشر؟  
ستمی کردند اینان به جگر گوشه تو      که ز شرحش چکد از دیده مرا خون جگر

(همان: ۲۴۸)

زودا که آه بی‌گنجان شعله ور شود      تا خاندان ظالم از آن پر شرر شود

(همان: ۲۵۴)

## ۲-۴-۱-۷- عدم اتحاد مردم ایران در برابر ظلم و خفقان حاکم بر

**آزادی خواه:** راه رسیدن به آرزوهای شاعر پایداری، اتحاد مردم در برابر ظلم است. در ابیات قصیده زیر، شاعر ناامید از یکرنگی تمام مردم ایران است و ضمن همدردی با هموطنان خویش، روحیه سر در لاک خود فرو بردن و عدم خیزش علیه ظلم را نکوهش می‌کند و با سرودن اشعاری در این قلمرو، ضمن شکایت از خفقان حاکم بر آزادی خواه، سعی در بیداری عموم دارد:

بر سر اهل خراسان اگر آتش بارد      نشود مردم شیراز از آن هیچ خبر  
ور بیارد ز دو سو بر سر زنجانی تیغ      اردبیلی نکند سینه پی کینه سپر  
و گر آواز کشد، شر طلب و مفسده جوست      چیست مفسد را پاداش به غیر از خنجر؟

(همان: ۲۵۰)

عاطفه در شعر بهار واکنشی است در برابر تجربیات درونی و محیط اجتماعی وی و در کل اشعار رضوی، عنصر عاطفه متناسب با مضمون است. در سطح عاطفه فردی، اشعار مدحی وی (سطح اول شعر و شاعری) و در سطح عاطفه عمیق، اشعار سطح دوم شاعری وی (قصیده و ترکیب‌بند معروف در واقعه بمباران حرم) عملکرد مناسبی دارند. توجه شاعر در انتقال عاطفه، بیشتر معطوف به محتواست. پربسامدترین دریافت عاطفه شعری در دوره اول، عشق و انتقال حسن ارادت و در دوره دوم بیش از آن که مدیحه باشد ترغیب حسن بیداری، وطن‌خواهی،

مبارزه با عوامل ستم داخلی و... است. و این خصیصه سبب شده که شعر رضوی وی از شعرهای تقلیدی کلاسیک متمایز گردد.

## ۲-۵- اندیشه شعر رضوی بهار

در بررسی سطح اندیشگی اشعار رضوی بهار به معیارهایی چون تنوع مضامین، تکرار یا عدم تکرار ملال آور مضامین شعری و عمق اندیشه و رویکرد شاعر به مضامین زمانی و انسانی توجه شده است. در آغاز جوانی، بیشتر قصاید از جمله قصایدی که در مدح و رثای امام رضا (ع) می‌سراید، نشان‌دهنده اخلاص، شور مذهبی و تأثر اندیشه ستایش‌گری متناسب با وظیفه ملک الشعراء وی است؛ زیرا هر اندیشه‌ای با زمان خودش پیوند دارد. با آغاز مشروطیت، اشعارش رنگ و بوی سیاسی و میهنی به خود می‌گیرد که قصیده و ترکیب‌بندی که وی در واقعه بمباران حرم رضا (ع) سروده، بی‌تأثیر از این اندیشه غالب نیست؛ چون «در شعر مشروطه فرمانروایی با مضامین است و این مضامین حاصل برخورد واقعی تر با رخدادهای معاصر است.» (آزند، ۱۳۸۵: ۷۸) اندیشه شاعران متعهد پیرامون محیط شکل می‌گیرد. بنا به قول شفیعی کدکنی:

«وقتی ارزش‌های زندگی دگرگون شد، نوع عواطف و برداشت از زندگی نیز دگرگون شد. در اینجا بود که شعر مشروطیت با زمینه تند عاطفی خویش شکل‌گرفت و عواطفی که در شعر مشروطیت دیده می‌شود، عواطف و احساساتی است که پیرامون مسائل مبتلا به زمان- از قبیل موضوع قومیت و کوشش برای بیدار کردن حس ناسیونالیسم و انتقاد از عقب‌افتادگی‌های فرهنگی و فقر و نبود آزادی و انتقاد از خرافات مذهبی دورمی‌زند و به همین دلیل از یک من اجتماعی سرچشمه می‌گیرد.» (ن. ک: شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۰۵-۱۰۴)

از میان شاخصه‌های اندیشه ادب پایداری آنچه در شعر رضوی بهار شاخص است: تشویق به اندیشه؛ انداز و تهکم نسبت به قدرت حاکمه است. زمینه اندیشه شعر وی، تناسب کلام و فکر با مضامین سیاسی- اجتماعی است که به نسبت در دوره‌های شعر وی مطرح شده است. «عالی‌ترین

نمونه اندیشه هنری عصر مشروطه تا روزگاران معاصر در شعر بهار یافت می‌شود. محال است که شاعری در عصر مشروطه بیاید که به حیث عمق اندیشه، تنوع اندیشگی و پشتوانه فرهنگی شعر بتواند در کنار بهار قرار گیرد.» (زرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۱) و همین سخن زرقانی و مصادیق عاطفی شعر بهار دلیل قانع‌کننده برای پذیرش عمق اندیشه و تناسب آن با سایر عناصر درون-متنی الخصوص عاطفه است.

### ۳- نتیجه‌گیری

در بررسی نقد درون‌متنی شعر رضوی بهار، ویژگی‌های منحصر به فرد شاعران مشروطه دیده می‌شود؛ ذهن و روحیه فعال و نگاه پویا و زنده‌وی در انتخاب تصاویر بی‌تأثیر نیست؛ با برگزیدن قالب سنتی، بین جنبه‌های زیباشناسانه و تصویرگری ادبی رابطه ایجاد نموده‌است. تصاویر متنوع و بیشتر بر اساس انسان‌پنداری پدیده‌های اطراف شکل گرفته‌است؛ این تصاویر تنها جنبه هنری ندارند؛ بلکه وسیله‌ای در جهت القای معانی ذهنی است. مطالعه پیگیر شاعر در ادبیات گذشته ایران، او را بر آن می‌دارد که با زبان هنری، بار دیگر به کمک تصویرسازی نام‌های دینی و تاریخی را احیا کند. در اغلب این واژگان، عشق و اعتراضی آرام پنهان است. واژگان شعر متعلق به مردم است؛ بافت و نگرش شاعر در انتخاب واژگان، طرحی از اندیشه و احساس خود و هموطنانش است که به تناسب زمان، نوع آن تغییر می‌کند؛ چون در سطح دوم شاعریش، زبان ساده‌تر و اصطلاحات عامیانه می‌شود. در مبحث زبان، منبع اصلی مفردات شعر مدح و منقبت بهار را دایره واژگان کلاسیک تشکیل می‌دهد.

اشعار رضوی دوره اول، بیشتر مدحی و ذکر مناقب است. بهار پژوهشگری شاعر و شاعری سیاستمدار است که به فلسفه فرزند زمان بودن خود پی‌برد؛ زیرا رنگ عاطفی شعر در دوره دوم حاکی از آن است که بیش از خود مردم نگران روح دردمندشان است. در مبحث عاطفه، بهار شاعری است که خود فردی را خیلی زود فراموش کرد و به دریای من اجتماعی پیوست؛ زیرا حتی در گونه اشعار مدحی رضویش به ظاهر می‌بینیم که شاعر احساسات شخصی خود را

بیان می‌کند اما این احساس او شخصی نیست؛ بلکه ترسیم‌کننده اندیشهٔ عموم انسان‌های عاشق‌انگه به ویژه این امام غریب است. اندیشهٔ پایداری این شاعر متعهد، فقط مختص اشعار سیاسی-اجتماعی نیست؛ بلکه فکر آفرینشگر بر پابندی شاعر بر تحقق آرمانش در تمام گونه‌های شعر مصمم است. سطح اندیشه بهار متناسب با نوع ادبی شعر و سایر عناصر درون‌متنی بخصوص عاطفه است؛ به عبارتی دیگر، زندگی در شعر رضوی بهار به معنی آگاهی و بیداری اندیشه است.

### یادداشت‌ها

۲- زرقانی، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۷؛ عابدی، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۳۹؛ نیز: سخنوران نامی معاصر ایران، سید محمدباقر برقی، ۱۳۷۳: ۵۸۶.

۳- شعر، حاصل اندیشه و عاطفهٔ درونی است که به کمک زبان مجازی و پردازش تصاویر شاعرانه میسر می‌شود. شدت عاطفه و برخورداری از اندیشهٔ پویا، سبب شکل‌گیری تصاویر می‌شود. «تصویرسازی در شعر نوعی آفرینش هنری است که به وسیلهٔ آن شاعر به کلمات و اشیا رنگی از زندگی می‌بخشد و باری عاطفی بر دوش آن‌ها می‌نهد» (زرین‌کوب، ۱۳۶۷: ۱۹۵-۱۹۰) و «از طریق همین تصاویر است که اغلب تأثیرات عاطفی ایجاد می‌شود.» (ریچاردز، ۱۳۸۸: ۱۰۶)؛ شاعر برای انتقال عواطف و متأثر ساختن مخاطب از زبان بهره می‌گیرد و این کار گزینش واژه به کمک سحر خیال امکان‌پذیر است. پس «اگر شاعر یا هنرمند از صورخیال سود می‌جوید، در صدد چیزی است که گفتن آن با کلمات عادی و عقل متعارف امکان‌پذیر نیست.» (یونگ، ۱۳۷۲: ۶۶)

۴- «مرکز صورخیال است.» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۱۸) و توصیف و ذکر جزئیات، اصلی‌ترین فایدهٔ آن است؛ از این رو، یکی از زیباترین شیوه‌های بیان مقصود به‌شمار می‌آید.

۵- «رسانترین نوع تشبیه است؛ زیرا ادعای همانندی و اشتراک بین طرفین تشبیه در این نوع، بسیار قوی‌تر از انواع دیگر است.» (علوی‌مقدم، ۱۳۷۶: ۸۸)

- ۶- قدرت خیال‌انگیزی استعاره به خاطر رسایی زبان به مراتب بیشتر از تشبیه است.
- ۷- «بنیاد این نوع استعاره در ادب پارسی بیشتر بر آدمی‌گونگی و جاندارگرایی نهاده شده است؛ از این رو، آدمی‌گونگی همواره یکی از استوارترین بنیادهای باورشناختی در جهان‌بینی و فرهنگ اسطوره‌ای بوده است.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۲۷).
- ۸- کنایه شیوه هنری دیگری است که بهار در ضمن سخن برای القای معانی بهره گرفته است. این تصویر در هر دوره‌ای، نسبت به تصاویر هنری دیگر کاربرد بیشتری دارد، چون «بیشتر کنایات از زبان مردم گرفته شده‌اند و ریشه در هنجارهای اجتماعی، باورها، رسم و راه‌های مردم دارند.» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۶۹)
- ۹- یکی دیگر از گونه‌های خیال‌انگیز نمودن کلام در حوزه علم بیان، مجاز مرسل است؛ هرچند، دیدگاه بعضی از سخن‌سنجان بر آن است که جزء مباحث علم معانی است؛ اما شفیعی کدکنی محل اصلی بحث مجاز را علم بیان می‌داند (۱۳۷۸: ۱۰۰)
- ۱۰- عنصر عاطفه، عنصر غالب شعر است؛ زیرا به منزله روح سخن است که عناصر دیگر چون: تصویر، واژگان و حتی فکر و اندیشه را با خویش متحد می‌سازد. بنا بر گفته زرقانی در این مورد: «عاطفه، عبارت است از نسبت احساسی که در یک لحظه خاص، میان شاعر با یک پدیده دیگر برقرار می‌گردد و هرچه شاعر ارتباط عاطفی عمیق‌تری با موضوع شعرش برقرار کرده باشد، ارزش هنری آن برخورد عاطفی بیشتر است.» (۱۳۸۳: ۲۹-۲۸) و «در یک شعر کامل و زنده باید دید که عنصر عاطفه چقدر بر دیگر عناصر تسلط دارد...؟ تا عواطف و جلوه‌های حیات بشری بر دیگر عناصر فرمانرواست، زیبایی به حال شعر ندارد.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۹۹)

## فهرست منابع

الف. کتاب‌ها

- ۱- آژند، یعقوب. (۱۳۸۵). **تجدد ادبی در دوره مشروطه**. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- ۲- بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). **سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی**. ج ۱. کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر.
- ۳- بهار، محمد تقی. (۱۳۸۰). **دیوان اشعار**. ج ۱. چ دوم. تهران: توس.
- ۴- تولستوی، لئون. (۱۳۸۸). **هنر چیست**. ترجمه کاوه دهگان. چ چهاردهم. تهران: امیرکبیر.
- ۵- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). **در سایه آفتاب**. تهران: سخن.
- ۶- \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۱). **سفر در مه**. چ دوم. تهران: نگاه.
- ۷- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۶). **گونه‌های نوآوری در شعر معاصر**. چ دوم. تهران: ثالث.
- ۸- حسینی، سیدحسن. (۱۳۶۵). **براده‌ها** (مجموعه‌ای از تأملات اجتماعی و ادبی). تهران: برگ.
- ۹- زرقانی، سیدمهدی. (۱۳۸۳). **چشم‌انداز شعر معاصر ایران**. تهران: ثالث با همکاری انتشارات دبیرخانه شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- ۱۰- زرین‌کوب، حمید. (۱۳۶۷). **مجموعه مقالات**. تهران: انتشارات علمی و معین.
- ۱۱- زنجانی، برات. (۱۳۷۷). **صورخیال در خمسه نظامی**. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- ریچاردز، آیور آمسترانگ. (۱۳۸۸). **اصول نقد ادبی**. ترجمه سعید حمیدیان. چ دوم. تهران: علمی فرهنگی.
- ۱۳- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). **ادوار شعر فارسی**. تهران: سخن.

- ۱۴- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۸). **صورخیال در شعر فارسی**. چ هفتم. تهران: آگاه.
- ۱۵- عابدی، کامیار. (۱۳۹۰). **به یاد میهن: زندگی و شعر ملک الشعراء بهار**. تهران: ثالث.
- ۱۶- علوی مقدم، محمد و اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۶). **معانی و بیان**. تهران: سمت.
- ۱۷- علی پور، مصطفی. (۱۳۷۸). **ساختار زبان شعر امروز**. تهران: فردوس.
- ۱۸- فتوحی، محمود. (۱۳۸۶). **بلاغت تصویر**. چ اول. تهران: سخن.
- ۱۹- کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). **زیباشناسی سخن پارسی «بیان»**. تهران: کتاب ماد وابسته به نشر مرکز.
- ۲۰- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۷۲). **جهان‌نگری**. ترجمه جلال ستاری. تهران: انتشارات توس.

### ب. مقاله‌ها

- ۱- اسعدی فیروزآبادی، مریم. (پاییز ۱۳۹۲). «زبان و شیوه بیان در اشعار ناسیونالیستی بهار و عشقی». پژوهشنامه علوم سیاسی. سال هشتم، ش چهارم، صص ۱۵۱-۱۸۱.
- ۲- تجلیل، جلیل و بیگلر، محمدتقی. (زمستان ۱۳۸۹). «بلاغت تصویر در دیوان اشعار محمدتقی بهار». فصل‌نامه تخصصی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد. ش ۲۸، صص ۱۰۶-۷۳.
- ۳- سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۳). «ادبیات پایداری». مجله شعر. ش ۲۹، صص ۵۳-۴۵.
- ۴- محسنی نیا، ناصر و پوریزدان‌پناه کرمانی، آرزو. (۱۳۸۸). «بررسی مدایح نبوی در شعر جمال‌الدین عبدالرزاق و احمد شوقی». پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی. ش سوم، دوره اول، صص ۵۸-۳۹.
- ۵- محمدی، گردآفرین و حسامپور، سعید. (۱۳۹۴). «تجلی بن‌مایه‌های منقبت رضوی در شعر ملک‌الشعراء بهار. در عهد جانان (مجموعه مقالات همایش علمی، پژوهشی امام رضا (ع) در آیین ادبیات معاصر)، ویراسته خلیل کهریزی، ۲۲۸-۱۹۹. کرمانشاه: گلچین ادب.





